

بررسی اثر آموزش بسته‌ی توانمندسازی نوجوانان در پیشگیری از رفتارهای پرخطر در نوجوانان کار و خیابان

فاطمه آیت‌مهر*: کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه خوارزمی تهران، تهران، ایران. ۰۹۱۴۴۰۵۸۶۴۳ fatemehmehrayat@gmail.com

محمد خالقی: دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه خوارزمی تهران، تهران، ایران.

شهرام محمدخانی: استادیار گروه روان‌شناسی بالینی دانشگاه خوارزمی تهران. mohammadkhani@tmu.ac.ir

حامد غیائی: کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی ghiasi.hamed@yahoo.com

واژگان کلیدی

توانمندسازی

رفتارهای پرخطر

کودکان کار و خیابان

چکیده

مقدمه: پژوهش حاضر باهدف بررسی اثر آموزش بسته‌ی توانمندسازی نوجوانان در پیشگیری از رفتارهای پرخطر در نوجوانان کار و خیابان انجام شد.

روش: این پژوهش از نوع طرح‌های شبه آزمایشی با پیش‌آزمون و پس‌آزمون بود. جامعه‌ی آماری پژوهش شامل کلیه کودکان کار و خیابان ۱۳-۱۸ ساله شهر کرج بود که از آن میان با استفاده پرسشنامه‌ی عوامل محافظ و خطر ساز نوجوانانی که در سازمان مردم‌نهاد (NGO) کیانا مشغول دریافت آموزش بودند و در معرض خطر جدی‌تری قرار داشتند، شناسایی شدند. پس از غربالگری حدود هفده دانش‌آموز برای شرکت در دوره‌ی آموزشی انتخاب شدند. به منظور اجرای پیش‌آزمون پرسشنامه رفتارهای پرخطر و پرسش‌نامه عوامل محافظت‌کننده و خطر ساز توسط دانش‌آموزان شرکت‌کننده در دوره‌ی آموزشی تکمیل شد. این برنامه آموزشی شامل هشت موضوع است که در یازده جلسه‌ی نود دقیقه‌ای آموزش داده می‌شود. در پایان دوره‌ی آموزشی و همچنین سه ماه بعد از اتمام دوره شرکت‌کنندگان پرسشنامه رفتارهای پرخطر و پرسشنامه عوامل محافظت‌کننده و خطر ساز را تکمیل کردند. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون T استفاده شد.

نتایج: نتایج نشان می‌دهد که بین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون و همچنین دوره‌ی پیگیری تفاوت معناداری وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که توانمندسازی نوجوانان در پیشگیری از رفتارهای پرخطر در نوجوانان کار و خیابان تأثیر دارد.

* نویسنده مسئول

نوع مطالعه: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۳/۲۳

فاطمه آیت‌مهر، محمد خالقی، شهرام محمدخانی و حامد غیائی. بررسی اثر آموزش بسته‌ی توانمندسازی نوجوانان در پیشگیری از رفتارهای پرخطر در نوجوانان کار و خیابان. فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۱۳۹۴؛ ۴ (۱): ۱۶-۲۳

نحوه استناد به مقاله:

۱۳۹۴؛ ۴ (۱): ۱۶-۲۳

The Efficacy of Education of Adolescent Empowerment in Prevention of Risky Behaviors in Child Labor

Fatemeh Ayatmehr*: M.Sc. in Clinical Psychology, Kharazmi University 09144058643 fatemehmehrayat@gmail.com

Mohammad Khaleghi: M.Sc. in Clinical Psychology, Kharazmi University

Shahram Mohammadkhani: Assistant Professor of Clinical Psychology, Kharazmi University mohammadkhani@tmu.ac.ir

Hamed Ghiasi: M.A. in Clinical Psychology Ghiasi.Hamed@yahoo.com

Abstract

Introduction: The aim of this study was to examine effect of education of adolescent empowerment in prevention of risky behaviors in child labor.

Methodology: This present research is a quasi-experimental with pre-test post test design. Statistical population of this research include 13-18 years old child labor in city of Karaj. For this purpose students who were in Kiana institute examined with Risk and protective factors questionnaire and then those who were more at risk were identified. After screening, 17 students selected to attend the training course. To performing pretest, Risky behavior questionnaire & risk and protective factors questionnaire completed by the students. This course consists of 11 session of 90 minutes. At the end of the course as well as three months after the course the participants completed risk and protective factors questionnaire & risky behavior questionnaire. T test used to analyze the data.

Results: The results show the significant difference between pretest and posttest as well as follow up scores.

Conclusions: Based on the results of the research we can conclude that the empowerment of youth affected in prevention of risky behaviors in child labors.

Keywords

Empowerment

Risky Behaviors

Child Labor

*Corresponding Author
Study Type: Original
Received: 28 Feb 2015
Accepted: 13 Jun 2015

Please cite this article as follows:

Ayatmehr F, Khaleghi M, Mohammadkhani S, and Ghiasi H. The Efficacy of Education of Adolescent Empowerment in Prevention of Risky Behaviors in Child Labor. Quarterly journal of social work. 2015; 4 (1); 16-23

مقدمه

مصرف سیگار و سایر مواد غیرقانونی توسط نوجوانان یکی از مهم‌ترین چالش‌های بهداشتی و روانی در اکثر کشورهای جهان می‌باشد (هاو کینز و همکاران، ۱۹۹۲). مطالعات همه‌گیری‌شناسی در سال‌های اخیر حاکی از افزایش مصرف مواد در بین نوجوانان است (جانستون و همکاران، ۲۰۰۱؛ فرنس و همکاران، ۲۰۰۰). علاوه بر مصرف سیگار و مشروبات الکلی، مصرف داروهای کلویی (مانند اکستازی، آل اس دی، شیشه و...) در سطح جهان افزایش یافته و به معضلی جهانی تبدیل شده است. این مواد اغلب توسط نوجوانان مصرف و منجر به افزایش سطح انرژی و حالت هوشیاری می‌گردد. بررسی‌های صورت گرفته در کشورهای مختلف حاکی از افزایش مرگ و میر ناشی از مصرف مواد در بین نوجوانان می‌باشد (ویل کینز و همکاران، ۲۰۰۳). مسئله‌ی مصرف مواد نوجوانان در گروه‌های مختلف آمارهای متفاوتی را به خود اختصاص داده است و از این رو ممکن است توجه به گروه‌هایی خاص از اهمیت بیشتری برخوردار باشد. به عنوان مثال کودکان کار و خیابان به دلیل ارتباطات نامناسب در سطح خیابان، عدم دریافت آموزش‌های مناسب از خانواده‌ها و مؤسسات رسمی و همچنین زندگی در محیط‌های پرخطر با احتمال بیشتری نسبت به جمعیت عادی نوجوانان گرایش به مصرف مواد و مشروبات الکلی دارند. کودکان کار و خیابان به دلیل فقر مالی خانواده ناچار به کار در خیابان، کارگاه‌ها یا منازل می‌باشند. این کودکان وقت زیادی را در خیابان زندگی یا سپری می‌کنند، درواقع خیابان منبع معاش این کودکان است و این کودکان به طور شایسته و مطلوب توسط بزرگ‌سالان نگهداری نمی‌شوند. بی‌خانمانی، کودکان را در معرض انواع کج روی‌ها و رفتارهای ضداجتماعی قرار می‌دهد (هانگ و همکاران، ۲۰۰۱). نیاز به حمایت‌های اجتماعی و عدم پاسخ به آن، فرد را مستعد بسیاری از مشکلات روانی اجتماعی و سوء مصرف مواد می‌نماید (کریگ و همکاران، ۲۰۰۱)، و همچنین بیش تر این کودکان در کشورهای در حال توسعه هستند، از همین رو این کودکان بیش از سایرین در معرض رفتارهای پرخطر می‌باشند. درباره‌ی اعتیاد در کودکان کار و خیابان گفته می‌شود که این کودکان به دلایل اقتصادی، اجتماعی و در بسیاری از موارد در دسترس بودن مواد، و ملیت افغان داشتن به سمت اعتیاد سوق می‌یابند و حضور در چنین محیط‌هایی احتمال گرایش افراد به رفتارهای پرخطر را افزایش می‌دهد. در پژوهش خانی‌ها و همکاران (۲۰۰۲) که در مورد ۷۸ کودک خیابانی منطقه ۱۲ شهر تهران انجام گرفت، مشخص شده که ۱۶/۱ درصد کودکان مصرف سیگار و ۹/۱ درصد ایشان مصرف مواد مخدر داشته‌اند.

به نظر می‌رسد دسترسی به انواع مختلف مواد، خطر ابتلا به اعتیاد را در این کودکان افزایش می‌دهد. علاوه بر موارد مذکور مسائل فرهنگی، فقر اقتصادی، کم‌سوادی خانواده، مهاجرت، عدم دسترسی به خدمات حمایتی، در بروز اعتیاد در کودکان کار و خیابان تأثیرگذار است. عدم دسترسی به همه کودکان، عدم همکاری و توجه خود کودک، پائین بودن سطح تحصیل که آموزش‌ها را بسیار دشوار کرده است، عدم آشنایی کارشناسان با موضوع، زمان کوتاه ارتباط در مراکز پذیرنده کودک و عدم پذیرش وضعیت موجود از سوی خانواده، مدرسه و حتی خود کودک چالش‌هایی است که باید در زمینه‌ی اعتیاد در کودکان کار و خیابان مورد توجه قرار گیرد. با افزوده شدن تبعات ناشی از مصرف مواد به مشکلات جاری در زندگی کودکان کار و خیابان، عدم دسترسی به سیستم‌های درمانی و حمایتی مناسب و افزایش ابتلا به ایدز در نتیجه‌ی مصرف مواد، به نظر می‌رسد که بحران اعتیاد در این بخش از جامعه نقش اساسی تری ایفا می‌کند. از این رو آموزش‌های مستمر و فراگیر در سطح کودکان، خانواده، محیط اجتماعی و مسئولین مربوطه می‌تواند در شرایط کنونی مورد توجه قرار گیرد. متخصصان حوزه‌ی پیشگیری تأکید می‌کنند که برنامه‌های پیشگیرانه که قبل از سنین دبیرستان نوجوانان را آماج مداخله قرار می‌دهند در پیشگیری از مصرف مواد بسیار مؤثر خواهند بود (بوتوین، ۲۰۰۰). برنامه آموزش مهارت زندگی (LST) یک مداخله‌ی پیشگیرانه‌ی چند مولفه‌ای مبتنی بر رویکرد توانمندسازی روانی-اجتماعی است که بر آموزش مهارت‌های مقاومت در برابر مصرف مواد، در چهارچوب مدل آموزش مهارت‌های فردی و اجتماعی عمومی تأکید می‌کند. مطالعات متعددی به بررسی اثر آموزش مهارت‌ها بر کاهش رفتارهای پرخطر پرداخته‌اند. از آن جمله نتایج پژوهش محمدخانی و همکاران (۲۰۰۷) نشان داد که آموزش مهارت‌های زندگی می‌تواند تغییر معناداری در عوامل خطر ساز فردی نظیر خودپنداره، احساس کنترل درونی، مهارت‌های خودکنترلی، جرات‌مندی و نگرش نسبت به مواد ایجاد نماید. نوجوانانی که آموزش مهارت‌های زندگی را دریافت کرده بودند

در مقایسه با نوجوانان گروه کنترل، در ارزیابی پس از مداخله تغییر معناداری در خود پنداره، مهارت‌های خود کنترلی، مهارت‌های اجتماعی، احساس کنترل درونی و نگرش منفی نسبت به مواد نشان دادند. همچنین آموزش مهارت‌های زندگی تمایل نوجوانان در معرض خطر به مصرف الکل، سیگار و سایر مواد را به طور معناداری کاهش داد. در پژوهشی دیگر آموزش مهارت‌های زندگی به عنوان یک رویکرد پیشگیرانه متمرکز بر فرد توانست در کوتاه مدت با ایجاد تغییر در متغیرهای میانجی (خودآگاهی و...) تمایل دانش آموزان به مصرف را ۷۵ درصد کاهش داده است همچنین نشان داده که آموزش فشرده و کوتاه مدت مهارت‌ها نتایج کوتاه مدت داشته و پایداری چندانی نخواهد داشت (موسوی، ۲۰۱۰). همچنین در مطالعه‌ای که به اثربخشی آموزش مهارت‌های

زندگی بر نوجوانان جهت پیشگیری از آسیب اجتماعی انجام شد تجزیه و تحلیل نتایج نشان داد که آموزش مهارت‌های موردنظر باعث کاهش افکار خود کشی در نوجوانان دارای سابقه خود کشی می‌شود، اما در کاهش افکار فرار در نوجوانان دارای تجربه فرار مؤثر نمی‌باشد و همچنین آموزش مهارت‌های موردنظر بر کاهش خود پنداره منفی نوجوانان موردنظر مؤثر بوده است (رفاهی، ۲۰۰۹).

به طور کلی آموزش مهارت‌های زندگی در کوتاه مدت می‌تواند تغییر معناداری در عوامل میانجی مصرف مواد ایجاد نماید، ولی تغییرات پایدار در رفتار مصرف مستلزم زمان طولانی تر و تکرار و استمرار برنامه‌ی آموزشی است. این نتایج از رویکردهای نفوذ اجتماعی در پیشگیری از مصرف مواد حمایت کرده و به روشن سازی متغیرهای میانجی برنامه‌های پیشگیرانه کمک می‌کند. اگرچه مهارت‌های زندگی برای پیشگیری مستقیم از مصرف مواد آموزش داده می‌شود، ولی برای مقابله با بسیاری از چالش‌هایی که نوجوانان در زندگی روزمره با آن مواجه هستند، نیز کاربرد دارند. در پژوهش حاضر به کودکان کار و خیابان ۱۸-۱۳ ساله آموزش‌های پیشگیری از رفتارهای پرخطر بر اساس یک بسته‌ی آموزشی مدون ارائه شد و اثر آن در کاهش اقدام به رفتارهای پرخطر مورد مطالعه قرار گرفته است.

روش

جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل نوجوانان کار و خیابان ۱۸-۱۳ ساله شهر کرج بود، که از آن میان، نوجوانانی که در سازمان مردم‌نهاد (NGO) کیانا تحت آموزش بودند، مورد بررسی قرار گرفتند و با استفاده از پرسشنامه‌ی عوامل محافظ و خطر ساز، افرادی که در معرض خطر جدی تری قرار داشتند، شناسایی شدند. به منظور تعیین رفتارهای پرخطری که شرکت کنندگان در طرح پژوهشی مرتکب شده‌اند و همچنین تعیین خط پایه رفتارهای پرخطر، پرسشنامه رفتارهای پرخطر در میان کودکان غربالگری شده اجرا شد. پس از غربالگری حدود ۱۷ دانش آموز برای شرکت در دوره‌ی آموزشی انتخاب شدند و از این تعداد فقط ۱۱ نفر کل دوره را به پایان رساندند. یکی از دانش آموزان به دلیل ازدواج زودهنگام، سه نفر از آن‌ها به دلیل عدم موافقت خانواده برای حضور در مدرسه بعد از ساعت درسی، یک نفر به دلیل تغییر ساعت کاری و در نهایت آخرین فرد به دلیل منع خانواده برای حضور در موسسه (این دانش آموز بطور کلی موسسه را ترک نموده است) موفق به گذراندن دوره به صورت کامل نشدند. سایر دانش آموزان در تمام جلسات دوره بدون غیبت حضور داشتند.

ابزار- ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش عبارت بودند از: پرسشنامه عوامل خطر ساز و محافظت کننده RAPQ (محمدخانی، ۲۰۰۵؛ ۲۰۰۷): این پرسشنامه، یک ابزار غربالگری در نوجوانان ۱۳ تا ۱۸ سال می‌باشد و دارای ۱۱۰ گویه و ۱۸ خرده مقیاس است. این ابزار به منظور شناسایی عوامل خطر و محافظت کننده‌ی مصرف سیگار، مشروبات الکلی و سایر مواد تدوین و هنجاریابی شده است. RAPQ متغیرهای مرتبط با مصرف مواد را در چهار حیطه‌ی فردی، خانوادگی، مدرسه و اجتماعی مورد ارزیابی قرار می‌دهد. خرده مقیاس‌های حوزه فردی شامل نگرش نسبت به مواد، افسردگی، خود پنداره، جراتمندی، خوش بینی، خود کنترلی، کانون کنترل، هیجان طلبی و هنجار پذیری اجتماعی و خرده مقیاس‌های حوزه‌ی خانواده شامل پیوند با خانواده، نظارت خانواده، تعارضات خانوادگی و نگرش والدین نسبت به مواد و خرده مقیاس‌های حوزه‌ی اجتماعی شامل، وضعیت گروه دوستان، دسترسی پذیری ادراک شده و بی نظمی محیط اجتماعی و در نهایت دو خرده مقیاس مربوط به حوزه‌ی مدرسه احساس تعهد نسبت به مدرسه و فضای روانی- اجتماعی مدرسه است.

1 Risk and protective factors questionnaire

در این مطالعه از این ابزار به عنوان شاخصی برای غربالگری استفاده شد. افراد نمونه براساس نمره‌ی کل این شاخص انتخاب شدند. همچنین زیر مقیاس‌های حوزه‌ی فردی-روان‌شناختی و مدرسه به عنوان شاخصی از اثرگذاری آموزش مورد استفاده قرار گرفتند. لازم به ذکر است که پایایی کلی این پرسشنامه ۰/۹۰ می‌باشد.

پرسشنامه رفتارهای پرخطر (RBQ): به منظور تعیین خط پایه‌ی رفتارهای پرخطری که نوجوانان در گذشته مرتکب شده‌اند و به منظور ارزیابی سابقه‌ی مصرف مواد توسط پدر و مادر و بررسی وضعیت مصرف مواد نوجوانان از پرسشنامه‌ی رفتارهای پرخطر (محمدخانی، ۲۰۰۷)، استفاده شد. این پرسشنامه شامل ۵۰ سؤال درباره‌ی رفتارهای پرخطر در حوزه‌های مختلف می‌باشد. رفتارهایی که در این پرسشنامه مورد مطالعه قرار گرفت، شامل درگیری فیزیکی در مدرسه طی ۱۲ ماه گذشته، داشتن طرحی برای خودکشی طی ۱۲ ماه گذشته، مصرف سیگار طی یک ماه گذشته، مصرف قلیان طی یک ماه گذشته، مصرف قلیان طی ۱۲ ماه گذشته، رابطه‌ی دوستی با جنس مخالف در سن زیر ۱۱ سال و در نهایت داشتن رابطه‌ی دوستی با بیش از دو نفر از جنس مخالف می‌شد، محمدخانی (۲۰۰۷) در پژوهشی پایایی این پرسشنامه را ۰/۸۷ گزارش کرده است.

پس از انتخاب شرکت کنندگان بسته آموزشی توانمندسازی روانی-اجتماعی به دانش آموزان در معرض خطر ارائه گردید. برنامه توانمندسازی روانی-اجتماعی برای دانش آموزان در معرض خطر یک برنامه‌ی پیشگیرانه‌ی چند مولفه‌ای است که به منظور تقویت توانمندی‌های فردی و اجتماعی و بهبود عزت نفس دانش آموزان در معرض خطر طراحی شده است. این برنامه بر اساس عوامل خطر ساز و محافظت کننده مصرف مواد در نوجوانان تدوین شده است. هدف اصلی برنامه‌ی مذکور ایجاد تغییر در سه حیطه‌ی دانش، نگرش و رفتار دانش آموزان است. این برنامه شامل ۸ موضوع است که در ۱۱ جلسه‌ی ۹۰ دقیقه‌ای آموزش داده می‌شود. موضوعات شامل ارزش سلامتی، تصمیم‌گیری سالم، خطر جویی و مصرف مواد، مقابله با استرس و هیجان‌های منفی، ارتباط مؤثر، روابط بین فردی سالم، فشار هم‌سالان و مهارت‌های امتناع، عزت نفس می‌باشد. هر واحد درسی دارای فعالیت‌های آموزشی مختلفی است که اهداف متفاوتی را دنبال می‌کند. راهنمای آموزش برنامه‌ی آموزش مهارت‌های

2 Risky Behavior Questionnaire



آماره‌های توصیفی مربوط به متغیرهای جمعیت شناختی از این قرار بود که از تعداد ۱۱ نفر شرکت کننده در این پژوهش تعداد ۵ نفر زن و ۶ نفر مرد بودند. در جدول شماره ۱ فراوانی و درصد رفتارهای پرخطر شرکت کنندگان نشان داده شده است شرکت کنندگان در گروه سنی ۱۲-۱۸ سال قرار داشتند و به منظور بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر کاهش رفتارهای پرخطر در نوجوانان کار و خیابان از آزمون T به شرح جدول ۲ استفاده شد. اطلاعات موجود در جدول شماره ۲، میانگین، انحراف استاندارد و ارزش t را در پیش آزمون و پس آزمون مقیاس عوامل

زندگی، کاملاً ساخت یافته و برنامه‌ریزی شده است و نحوه‌ی اجرای فعالیت‌ها را به طور گام به گام آموزش می‌دهد. آموزش موضوعات، به شیوه‌ی تعاملی با استفاده از تکنیک‌های آموزش فعال مانند، بارش فکری، بحث گروهی، فعالیت گروهی، طرح سؤال، ایفای نقش و تمرین رفتاری صورت می‌پذیرد. اگرچه این برنامه از یک ساختار تعریف شده‌ای برخوردار است، با این حال، مشاوران می‌توانند متناسب با نیازهای آموزشی دانش آموزان، سرعت و روند ارائه مطالب را تنظیم کنند. به عنوان مثال در شرایطی که زمان تعیین شده ۹۰ دقیقه‌ای برای انتقال یک مهارت به دلایل مختلف، مناسب نباشد، این امکان وجود دارد که یک مبحث در چند جلسه آموزش داده شود. آنچه مهم است حفظ توالی و آموزش کلیه مفاهیم و موضوعات مطرح شده در بسته آموزشی است. گروه هدف این بسته‌ی آموزشی دانش آموزان در معرض خطری هستند که در مدارس عادی مشغول به تحصیل می‌باشند، از این رو اجرای این بسته برای کودکان کار و خیابان، با توجه به اینکه نوجوانان ۱۳ تا ۱۸ سال کار و خیابان اغلب در دوره‌ی ابتدایی تحصیل می‌کردند و دختران و پسران از کلاس مشترکی استفاده می‌نمودند و همین امر آموزش را با دشواری مواجه می‌نمود، به ۱۸ جلسه افزایش یافت. در پایان دوره‌ی آموزشی و همچنین سه ماه بعد از اتمام دوره شرکت کنندگان پرسشنامه‌ی رفتارهای پرخطر و عوامل خطر ساز و محافظت کننده را تکمیل کردند.

جدول (۱) فراوانی و درصد رفتارهای پرخطر شرکت‌کنندگان		
متغیرها	فراوانی	درصد
۲ تا ۳ بار درگیری فیزیکی در مدرسه طی ۱۲ ماه گذشته	۵	۴۲
طرحی برای خودکشی طی ۱۲ ماه گذشته	۱۲	۱۰۰
۱ الی ۹ بار مصرف سیگار در یک ماه گذشته	۲	۱۷
۳ الی ۹ بار مصرف سیگار در یک ماه گذشته	۱	۸
۱ الی ۳ بار مصرف قلیان در یک ماه گذشته	۳	۲۵
۳ الی ۹ بار مصرف قلیان در یک ماه گذشته	۱	۸
۳ الی ۹ بار مصرف قلیان در ۱۲ ماه گذشته	۱	۸
دوستی با جنس مخالف زیر ۱۱ سال	۱۲	۱۰۰
دوستی با بیش از دو نفر از جنس مخالف	۶	۵۰

خطر ساز و محافظت کننده نشان می‌دهد. همان‌طور که در این جدول نشان داده می‌شود میانگین نمرات زیرمقیاس حوزه‌ی فردی، خانواده، مدرسه و همچنین نمره کل مقیاس عوامل خطر ساز و محافظت کننده در سطح ۰/۰۱ و حوزه اجتماعی در سطح ۰/۰۱ قبل و بعد از مداخله‌ی آموزشی متفاوت است که این نمرات معنادار است. با توجه به این که در این پژوهش، زیرمقیاس‌های حوزه‌ی مدرسه و حوزه‌ی فردی-روان‌شناختی به‌عنوان شاخصی از اثرگذاری آموزش مورد استفاده قرار گرفتند، مروری بر نتایج به‌دست‌آمده از اجرای این بسته آموزشی نیز نشان داد که

مداخله آموزشی موردنظر مؤثر واقع شده است. جدول شماره ۳ نشان می‌دهد تفاوت میانگین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون زیرمقیاس‌های حوزه‌ی خانواده در سطح ۰/۰۱، حوزه‌ی فردی-روان‌شناختی و نمره کل مقیاس عوامل خطر ساز و

جدول (۲) نمرات مقیاس عوامل خطر ساز و محافظت کننده در پیش‌آزمون و پس‌آزمون				
متغیر	میانگین پیش‌آزمون	انحراف استاندارد	میانگین پس‌آزمون	انحراف استاندارد
حوزه فردی-روان‌شناختی	۱۵۷	۴۴/۷۵	۱۳۷	۳۵/۷۲
حوزه خانواده	۵۸/۸۳	۱۵/۷۴	۵۳/۱۶	۱۳/۹۶
حوزه اجتماعی	۳۷/۰۰	۱۴/۹۲	۳۲/۲۵	۱۱/۱۹
حوزه مدرسه	۲۶/۰۰	۹/۷۵	۲۱/۰۸	۶/۳۳
نمره کل شاخص عوامل خطر ساز و محافظت کننده	۲۷۹	۸۱/۵۱	۲۴۳	۶۴/۰۹

*** $P < 0.001$ ** $P < 0.01$

جدول (۳) نمرات مقیاس عوامل خطر ساز و محافظت کننده در پس‌آزمون و پیگیری				
متغیر	میانگین پس‌آزمون	انحراف استاندارد	میانگین پیگیری	انحراف استاندارد
حوزه فردی-روان‌شناختی	۱۳۷	۳۵/۷۲	۱۲۵	۲۸/۶۲
حوزه خانواده	۵۳/۱۶	۱۳/۹۶	۴۷/۰۰	۱۳/۰۸
حوزه اجتماعی	۳۲/۲۵	۱۱/۱۹	۳۰/۰۸	۸/۱۷
حوزه مدرسه	۲۱/۰۸	۶/۳۳	۱۹/۰۸	۳/۷۵
نمره کل شاخص عوامل خطر ساز و محافظت کننده	۲۴۳	۶۴/۰۹	۲۲۱	۵۱/۶۴

*** $P < 0.001$ ** $P < 0.01$

محافظت کننده در سطح ۰/۰۱ و پس‌آزمون و پیگیری بعد از گذشت سه ماه اتمام دوره، معنادار است، به این معنا که نتایج حاصل از مداخله آموزشی در این دو زیرمقیاس و مقیاس کلی نشان می‌دهد مداخله ثبات نداشته و به‌طور معناداری تغییر کرده است، اما میانگین نمرات در دو زیرمقیاس دیگر یعنی حوزه اجتماعی و مدرسه در پس‌آزمون و دوره پیگیری تفاوت معناداری ندارد. این امر نشان می‌دهد که در این دو زیرمقیاس، نتایج حاصل از مداخله‌ی صورت گرفته ثبات کافی را در طول سه ماه داشته است.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد آموزش مهارت‌های زندگی به‌عنوان یک رویکرد پیشگیرانه متمرکز بر فرد به منظور توانمندسازی نوجوانان توانست تغییرات معناداری در میانگین نمرات شرکت‌کنندگان دوره ایجاد نماید. به‌طور کلی نمرات در حوزه‌های فردی، خانواده، اجتماعی و مدرسه و همچنین نمره کل مقیاس عوامل خطر ساز و محافظت کننده در پس‌آزمون تغییرات معناداری داشته است. با توجه به این که دو زیرمقیاس فردی-روان‌شناختی و مدرسه شاخصی از اثرگذاری آموزش در نظر گرفته شده‌اند نتایج پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری نشان می‌دهد که مداخله آموزشی در هر دو مقیاس مؤثر بوده است اما نتایج تنها در مقیاس مدرسه در طول سه ماه ثبات داشته است در حالی که در مقیاس فردی-روان‌شناختی از ثبات کافی برخوردار نبوده است. بر این اساس، نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های قبلی که اثربخشی مهارت‌های زندگی را در کاهش رفتارهای پرخطر مورد مطالعه قراردادند همسو است. به‌عنوان مثال نتایج پژوهش ونزل، و همکاران (۲۰۰۹) نشان داد که آموزش برنامه مهارت‌های زندگی در مدرسه نقش مهمی را در کاهش سوء مصرف مواد در اوایل نوجوانی و ثبات آن در یک دوره پیگیری بلندمدت داشته است که همسو با نتایج پژوهش حاضر می‌باشد. نتایج پژوهش رفاهی (۲۰۰۹) که به بررسی آموزش مهارت‌های زندگی به‌عنوان راهکار پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی پرداخته است نشان داد که آموزش مهارت‌های موردنظر باعث کاهش افکار خودکشی‌گرایانه در نوجوانان دارای سابقه‌ی خودکشی می‌شود، اما در کاهش افکار فرار در نوجوانان دارای تجربه‌ی فرار مؤثر نیست و همچنین آموزش مهارت‌های مورد نظر بر کاهش خود پنداره‌ی منفی در گروه نوجوانان موردنظر مؤثر بود. زارعی و همکاران (۲۰۱۰) نشان دادند که آموزش مهارت خودآگاهی به کاهش رفتارهای پرخطر جنسی در بین معتادان منجر می‌شود. در مطالعه‌ی اجرای برنامه آموزش مهارت‌های زندگی، بر روی ۲۶ دانش آموز سال چهارم

دبستان نشان داد تحت تاثیر آموزش مهارت‌های زندگی، تغییر رو به کاهش نمره شاخص کل مشکلات بعد از مداخله معنی دار بوده است (عربگل و همکاران، ۲۰۰۵).

مطالعات انجام گرفته عوامل خطر ساز و محافظت کننده‌ی متعددی را در سطوح اجتماعی مشخص کردند که از جمله مهم ترین این عوامل می توان به مصرف مواد توسط دوستان، دسترسی پذیری مواد و بی نظمی اجتماعی اشاره کرد (رودس و همکاران، ۲۰۰۳؛ سیمونس، ۲۰۰۷). محیط های نابسامان نیز زمینه را برای گرایش افراد به سمت مصرف مواد فراهم می کند و منجر به افزایش رفتارهای انحرافی از قبیل مصرف الکل و مواد می گردند (سراج زاده و فیضی، ۲۰۰۷؛ مولوی و رسولی زاده، ۲۰۰۴). در توجیه ارتباط میان مصرف مواد توسط دوستان و مصرف مواد توسط فرد می توان گفت که دوستان مصرف کننده از یک سو دسترسی پذیری و فرصت مصرف مواد را افزایش می دهند و از سوی دیگر، مواجهه با همسالانی که باورها، نگرش ها و رفتارهای مثبتی در ارتباط با مصرف مواد دارند، همانند محیطی مساعد عمل می کنند و فرد را به سمت مصرف مواد سوق می دهند در این بین نقش متغیرهای فردی- روان شناختی می تواند بسیار تأثیر گذار باشد. برخی از افراد برای مقابله با الزامات و خواسته های زندگی و فقدان مهارت هایی از قبیل تصمیم گیری و جراتمندی غالباً شیوه های حل مساله آنی را جستجو می کنند. گاهی به خصوص نوجوانان تحت تأثیر هم سالان و فشارهای وارد شده از سوی محیط بدون تدبیر اقدام به انجام روش های ناسالم در برخورد با این موضوعات می کنند. بر همین اساس آموزش مهارت های زندگی و همین طور شیوه های مقابله با درخواست های نامعقول دوستان، آموزش جرات ورزی به منظور «نه» گفتن در مواقع لزوم در پیشگیری از مصرف مواد و سایر رفتارهای پرخطر مؤثر است. در این پژوهش علاوه بر پیگیری آثار کوتاه مدت مداخلات به بررسی آثار بلندمدت نیز پرداخته شد و پیگیری سه ماهه نیز صورت گرفت. نتایج حاصله از پژوهش نشان می دهد که در حوزه ی اجتماعی و مدرسه اثر مداخله آموزشی در دوره پیگیری حفظ شده و از ثبات کافی برخوردار بوده است. یافته های پژوهش تغییرات معناداری را در نمرات پس آزمون حوزه ی خانواده نشان می دهد اما از ثبات کافی در دوره ی پیگیری برخوردار نبوده است. در تبیین این یافته بسیاری از پژوهشگران (به عنوان مثال، دانسن و همکاران، ۱۹۹۶؛ به نقل از کالدول، ۲۰۱۰) خانواده را یک سیستم متکی به خود می دانند که دارای ارتباطات دوجانبه می باشد، از این رو تاریخچه ی خانوادگی

و عادت مصرف والدین در آغاز، تداوم و الگوی مصرف نوجوان اثر گذار است. اکثر مطالعات تأیید می کنند که نظارت ضعیف والدین به ویژه در سنین پایین تر و سال های آغازین مصرف نقش عمده ای در گرایش نوجوان به مواد دارد (چیلکات و همکاران، ۱۹۹۶؛ استینبرگ و همکاران، ۱۹۹۴؛ به نقل از گریفین و همکاران، ۲۰۰۰). یادگیری مهارت های زندگی در چندین حوزه از قبیل حوزه ی فردی، خانواده، مدرسه اتفاق می افتد. در جامعه مدرنیته که نقش خانواده به عنوان مهم ترین نهاد آموزش کم رنگ شده است مدرسه می تواند عهده دار بخش عمده ای از آموزش مهارت های زندگی باشد. همان طور که نتایج پژوهش حاضر نشان می دهد در دوره ی پس آزمون نمرات در حوزه های فردی، خانواده، اجتماعی و مدرسه تغییرات معناداری داشته است، اما این تغییرات تنها در حوزه ی مدرسه و اجتماعی از ثبات کافی برخوردار بوده است. در اغلب جوامع در مورد شیوه های درست زندگی مهارت های لازم را به افراد نمی آموزند (ناصری و همکاران، ۲۰۰۷). به نظر می رسد نقش عواملی از قبیل احساس تعهد نسبت به مدرسه، فضای روانی- اجتماعی مدرسه و آموزش جرات مندی و کسب این مهارت در ارتباط با هم سالان می تواند نقش مهمی داشته باشد. با توجه به اینکه گروه آزمایش پژوهش حاضر کودکان کار و خیابان بودند و این افراد بیشتر وقت خود را در خیابان و محل کار می گذرانند و عمدتاً از خانواده هایی با سطح اقتصادی- اجتماعی پائینی برخوردار هستند، مدرسه می تواند نقش عمده و تأثیر گذاری را در آموزش مهارت های زندگی این افراد داشته باشد.

تشکر و قدردانی

با تشکر از گروه فرهنگی اجتماعی کیانا و سرکار خانم سمیه خزایی مسئول واحد سلامت گروه فرهنگی اجتماعی

را فراهم کردند. هم‌چنین لازم است از مساعدت‌های فکری آقای حمیدرضا طاهری نخست، مدیر برنامه کاهش تقاضای دفتر مقابله با مواد و جرم سازمان ملل متحد در ایران قدردانی کنیم.

کیانا که امکانات و فضای ضروری برای آموزش و نیز هم‌فکری لازم برای اجرای این پژوهش و کار کرده با کودکان کار



References:

- Ahmadkhaniha, H. R., Torkamannehad, Sh., Hoseini Moghadam, M. M., (2002). Epidemiology of depression and sex abuse in homeless children. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*. 8(1): 14-20. [in Persian]
- Arabgol, F., Mahmodi Gharaei, Javad., Hakimshoshtari, Mitra. (2005). The effect of life skills training on fourth year of primary school children. *Advances in cognitive science*. (3): 51-57. [in Persian]
- Botvin, G. J. (2000). Preventing Alcohol and Tobacco Use Through Life Skills Training: Theory, Methods, and Empirical Findings. *Alcohol Research & Health*. Vol: 24, No: 4.
- Caldwell, R. M. (2010). Substance Abuse, Familial Factors, and Mental Health: Exploring Racial and Ethnic Group Differences Among African American, Caucasian, and Hispanic Juvenile Offenders. *The American Journal of Family Therapy*, 38:310-321.
- Craig, T.K., & Hodsom, S. (2000). Homeless youth in London: II. Accommodation, employment and health outcomes at 1 year. *Psychology and Medicine*, 30, 187-194.
- Ferrence, R., Lothian, S. and Cape, D. (2000). Contemporary patterns of nicotine use in Canada and the United States. In R. S. Roberta, J., Room, R. and Poe, M. (Eds). *Nicotine and Public Health*. American Public Health Association, Washington, DC: 287.
- Griffin, K. W., Botvin, G. J., Scheier, L. M., Diaz, T., & Miller, N. L. (2000). Parenting Practices as Predictors of Substance Use, Delinquency, and Aggression Among Urban Minority Youth: Moderating Effects of Family Structure and Gender. *Psychology of Addictive Behaviors*, 14(2): 174-184.
- Huang, C. Y., & Menke, E.M. (2001). School-aged homeless sheltered children's stressors and coping behaviors. *Journal of Pediatric Nursing*, 16, 102-109.
- Hawkins, J. D., Catalano, R. F., and Miller, N. (1992). Risk and protective factors for alcohol and other drug problems in adolescence and early adulthood: Implications for substance abuse problems. *Psychological Bulliten*, 112, 64-105.
- Johnston, L. D., O'Malley, P. M., & Bachman, J. G. (2001). The Monitoring the Future national survey results on adolescent drug use: Overview of key findings. *National Institute on Drug Abuse*
- Mohammadkhani, Sh., (2007). The structural model of substance abuse in adolescent at risk: evaluation of direct and nonedirect of individual and social factors. *Journal of research in psychological health* (2), 5-14. [in Persian]
- Mohammadkhani, Sh., (2005). Construction and standardization of risk and protective factors questionnaire alcohol, tobacco and other substances to identify students at risk. Deal with the United Nations office on drugs and crime in Iran. [in persian]
- Mohammadkhani, Sh., Jazayeri, A., Mohammadkhani, P., Rafiei, Hassan & Ghazi tabatabaei, M (2007). 14-Direct and nonedirect effect of attitude to substance use, individual and social center of control and abilities in substance use. *Biannual journal of the Iranian psychological association*, (3): 3-10. [in Persian]
- Mosavi, M.S. (2010). The effectiveness of life skills training on reducing drug trends among students. *Quarterly Journal of Research on Addiction*. (13): 73- 87. [in Persian]
- Moulavi, P., Rasoul Zadeh, B. (2004). A study of the factors of drug abuse tendency in the young people. *Quarterly Journal of Fundamental of Mental Health*, 6(21): 49-55. [in Persian]
- Naseri, H., Nikparvar, R. (2007). Investigate the effectiveness of life skills training on mental health of students. 2nd National Congress of Students Mental Health. 38-42. [in Persian]
- Refahi, j., life skills training a solution of adolescents social damages. (2009). *Quarterly journal of new approaches in educational administration*. (2): 131-146. [in Persian]
- Rhodes, T., Lily, R., Reofernandez, C., Giorginom, E., Kemmesies, UE., Ossebaard, HC. (2003). Risk factors associated with drug use: the importance of risk environment. *Drugs education prevention policy*. 10(4): 303-29.
- Seraj Zadeh, H., Feyzi, I. (2007). Social factors affecting opium and alcohol use among university students. *Journal of Social Science*. 31: 81-102.
- Simons-Morton B. (2007). Social Influences on Adolescent Substance Use. *Health Behavior*. 31(6): 672-84.
- Wilkins, C., Bhatta, K., Pledger, M., Casswell, S. (2003). Ecstasy use in New Zealand: findings from the 1998 and 2001 National Drug Surveys. *New Zealand Medicine Journal*, 116 -300.
- Wenzel, V., Weichold, K., Silbereisen, R. K. (2009). The life skills program IPSY: Positive influences on school bonding and prevention of substance misuse. *Journal of Adolescence*. (32): 1391-1401.
- Zarei, F., Khakbaz, H., Karami, H., (2010). The effectiveness of self-awareness skill on reducing risky behavior of relationship with opposite sex in addicts. *Quarterly Journal of Research on Addiction*. (15): 63-69. [in Persian]